

یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین  
یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین

یا حسین کن مدد تا شوم نوحه‌گر  
ای شه تشنه‌ی خسته‌ی خون‌جگر

سهم اندوه تو این جهان آن جهان  
گریه‌کن در غمت پهنه‌ی آسمان

در عزای غمت سینه طوفانی است  
چشم اهل فلک خیس و بارانی است

شرح غم‌های تو کهکشانشان  
حق تعالی بود در غمت نوحه‌خوان

کربلا معنی درد و رنج و بلاست  
شعله‌ی غصه از جور اعدا به‌یاست

کربلا خون‌کنند در دل عاشقان  
تیره‌گردد ز غم صفحه‌ی آسمان

کربلا قصه‌ی کاروان غم است  
کار دلدادگان شیون و ماتم است

کربلا یعنی اندوه و آه و خروش  
گریه‌ی بچه‌ها را رساند به‌گوش

کربلا سینه‌ها را به آتش کشید  
جان آینه‌ها را به آتش کشید

نیزه‌های عدو بی‌قرارت شدند  
حمله‌ور سوی حال نزارت شدند

اکبرت اربا اربا شد از تیغ‌شان  
شیون و گریه برپا شد از تیغ‌شان

اصغرت کشته شد روی دستان تو  
خون‌فشان شد گل‌وبیش به دامان تو

آسمان خون او را سراسر چشید  
تا که شد روی دستان سرخات شهید

خون اصغر بود خون امضای سرخ  
خیمه در خیمه مجنون امضای سرخ

رزم قاسم، حسن را به یاد آورد  
لاله‌ی بی‌کفن را به یاد آورد

قاسم کشته‌ی خنجر کینه شد  
پاره پاره تن از ساغر کینه شد

زینب مضطرب خون‌جگر شد حسین  
در غم هجر تو نوحه‌گر شد حسین

خواهرت بر سر نیزه دیده سرت  
هم‌نوا همچنان فاطمه مادرت

خون‌چکان روی نی گیسوی خاکی‌ات  
مانده روی زمین جسم افلاکی‌ات

بر سر نیزه‌ها چون سفر می‌کنی  
شیعیان را همه خون‌جگر می‌کنی

جز تو کس بر سر نیزه قرآن نخواند  
آیه‌های خداوند سبحان نخواند

جز تو کس خواهرش سر به محمل نزد  
شیون از عمق جان ناله از دل نزد

نغمه‌های عزا در دلش دم گرفت  
تا همیشه برای تو ماتم گرفت

داغ تو تا ابد مانده در جان ما  
بی‌قرار از غمت آه سوزان ما

قصه‌ی کربلا قصه‌ی شیون است  
قصه‌ی زینب و دم‌بدم مردن است

قصه‌ی یک تن و تیر دشمن هزار  
مشک آب‌آور و کینه‌ی نابکار

هیبت ساقی و لشکری بی‌حیا  
رزم مردانه و تیغ و جور و جفا

روبروی حرم خنده‌های عدو  
ظلم دیوانه‌وار قوم بی‌آبرو

در خیامت حسین گریه‌ها ناله‌ها  
العطش العطش از دل لاله‌ها

روضه‌ی کربلا تا به آنجا رسید  
کز نگاه حرم اشک خونین چکید

در سرایشی سرخ گودال آه  
بوسه زد بر تنت ناوکی روسیاه

نقش خاک عزا شد امام شهید  
آمد سووی تو شمر پست پلید

وامصیبت از این صحنه‌ها ای خدا  
شاهد این غروب زینب و بچه‌ها

سینه‌ی پاک گل جای یک بی‌حیاست  
در دل خواهرت وامحمد به‌یاست

خنجری برکشید قصد او حنجرت  
سینه‌زن خواهرت نوحه‌گر مادرت

ناله در هستی کل عالم فتاد  
تا که بر حنجرت تیغ کین بوسه داد

ناگهان کربلا شد پر از زلزله  
آسمان و زمین خالی از هلهله

سر جدا شد ز تن روی نی جا گرفت  
بر سر منبر نیزه ماوا گرفت

شعله‌ور شد دل عاشقانت حسین  
بر سر و سینه زد کاروانت حسین

عرش حق را شکست زین عزا قائمه  
شد عزادار تو مادرت فاطمه

ما همه شیعیان غرق ماتم شدیم  
پا به پای نبی یک جهان غم شدیم

بشونو آوازه‌ی مردمان گراش  
می‌زنند از غمت ناله‌ی دلخراش

بارالها به حق حسین شهید  
آنکه در خون سرخ شهادت پیید

بارالها به دین مبین رسول  
این عزاداری از شیعیان کن قبول

بارالها به ما جرم و عصیان ببخش  
بیش از این بنده را نور ایمان ببخش